

نهضت ۱۵ خرداد در استان فارس

جلیل عرفان منش

با اوج گیری مبارزات و مخالفت‌ها علیه مفاد تصویب نامه «انجمن های ایالتی و ولایتی» در سال ۱۳۴۱، امام خمینی (ره) طی ارسال پیامهایی به علمای شهرستانها، از تمامی روحانیون و اندیشمندان کشور خواستند تا مردم را از مقاصد و اهداف پنهانی رژیم آگاه نمایند. در نتیجه این اقدام، دامنه قیام پانزده خرداد در سراسر کشور گسترش یافت.

بیانیه و اعلامیه های امام، در مدت زمان کوتاهی توسط شبکه های نیمه تشکیلاتی در شهرستانها توزیع شد و روحانیون، آشکار و پنهان مواضع امام را در منابر و محافل اعلام و تشریح کردند.

در شیراز نیز، به مجرد دریافت بیانیه امام خمینی، ستادی متشکل از جامعه روحانیت شیراز در مسجد جامع عتیق تشکیل شد.^۱ در این ستاد انقلابی، چهره های برجسته ای چون شهید آیت ا... سید عبدالحسین دستغیب، مرحوم آیت ا... شیخ بهاءالدین محلاتی، مرحوم آیت ا... سید محمود علوی، مرحوم آیت ا... سید محمد امام، مرحوم آیت ا... سید حسین یزدی، مرحوم آیت ا... حاج شیخ ابوالحسن حدائق، مرحوم آیت ا... شیخ محمود شریعت و مرحوم آیت ا... محمد باقر آیت اللهی (حاج عالم) حضور داشتند.

جامعه روحانیت، در اولین اقدام خود با اتفاق نظر، آیت ا... دستغیب را به عنوان

۱. اولین گردهمایی ستاد انقلابی در مسجد جامع شیراز در زمستان ۱۳۴۱ به بهانه برپایی دعای باران تشکیل شد و بعد از آن شبهای جمعه پس از قرائت دعای کمیل ادامه یافت.

سخننگوی این ستاد تعیین نمود و اولین بیانیه خود را با امضای بیش از چهل تن از علمای شیراز و سایر شهرستانهای استان فارس، در حمایت از نهضت و امام خمینی صادر کرد.

جلساتی که شبهای جمعه، توسط این ستاد در مسجد جامع برگزار می شد، نقش عمده ای در بیداری توده های مردم و بسیج افکار عمومی داشت. در پرتو وحدت و همدلی روحانیون شیراز، سایر نمازگزاران به همراه روحانیون مساجد و مجامع مذهبی، بعد از اقامه نماز جماعت، به مسجد جامع عتیق می آمدند و پس از مراسم دعای کمیل، آیت ا... دستغیب به سخنرانی می پرداخت که نوارهای سخنرانی وی در بسیاری از شهرستانهای استان فارس، قم و تهران توزیع می شد.^۱

جمعیتی که در جلسات شبهای جمعه در مسجد جامع گرد هم می آمدند، بی سابقه و باشکوه بود. از این رو رژیم و ایادی آن، تلاش می کردند تا به هر نحو ممکن این انسجام و گرهمایی مردمی را متلاشی کنند. گزارشهای بدست آمده از ساواک، نمایانگر آن است که رژیم با وحشت و نگرانی فوق العاده ای روند نهضت را در شیراز تعقیب می کرد. ساواک از گسترش دامنه قیام به سایر شهرستانها، و نیز از پیوستن عشایر مسلح به نهضت، بیمناک بود. دامنه نفوذ روحانیون و گسترش آن در میان عشایر مسلح بر این نگرانی می افزود. با این وجود در سایر شهرستانهای استان فارس از جمله جهرم، کازرون، داراب، ممسنی، فیروزآباد و لارستان، خیزشهای مردمی به حمایت از نهضت پانزده خرداد شکل گرفت که تنها در منطقه لارستان طی حادثه خونین «صحرای باغ»، دهها تن از کودکان، زنان، مردان و سالخوردهگان عشایر این منطقه به شهادت رسیدند.

جغرافیای سیاسی استان فارس و بافت عشایری این منطقه، در نهضت پانزده خرداد

۱. توزیع اعلامیه ها و نوارهای سخنرانی در جوخفقان زای آن روز، و کنترل شدیدی که از سوی مامورین نسبت به خودروهای شخصی و عمومی در جاده ها اعمال می گردید، کار بسیار دشواری بود. یکی از شیوه های حمل نوارهای صوتی، قرار دادن آنها در جعبه های سوهان بود و یا میان دو قطعه چوب جاسازی می شد. اعلامیه ها نیز در میان کارتهای اجناس و منسوجات حمل می گردید. بر اساس گزارشهای موجود، بسیاری از اطلاعاتی که امام خمینی و نوارهای سخنرانی آیت ا... دستغیب، در شهرستانهای داراب، کازرون، جهرم توزیع می شد و در برخی از روستاها و آبادیهای استان فارس به صورت دست نویس منتشر می گردید. گزارشی از ساواک شیراز در دست است که نمایانگر حساسیت فوق العاده نیروهای امنیتی نسبت به توزیع اعلامیه ها و نوارهای سخنرانی امام خمینی و آیت ا... دستغیب در سطح استان فارس می باشد (نمونه هایی از این گزارشها در آرشیو خصوصی نگارنده موجود است).

حوادثی را بوجود آورد که نظیر آن در هیچیک از مناطق کشور دیده نشد. در فاصله میان تصویب لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی در تاریخ ۱۳۴۱/۷/۱۴ که یک شکست سیاسی برای شاه و دولت علم محسوب شد، تا ۱۳۴۱/۱۰/۱۹ که فرماندم لایحه ششگانه اعلام گردید، رژیم با طرح و بزرگ نمایی قتل مشکوک رئیس اصلاحات ارضی فیروزآباد فارس، دست به یک جنجال تبلیغاتی زد. دامنه این تبلیغات به جراید و رسانه های گروهی خارجی نیز کشیده شد.^۱ هیئت دولت، ضمن اعلام حکومت نظامی در فارس، روز ۲۳ آبانماه ۱۳۴۱ را عزای عمومی در کشور اعلام کرد.

رژیم، قتل رئیس اصلاحات ارضی را ابتدا ناشی از ماجرای راهزنی در جاده توسط اشرار قلمداد کرد. اما بعدها مدعی شد که این اقدام توسط عشایر ایل سرخی صورت گرفته است؛ ولی شاهدان عینی حادثه معتقدند که این توطئه توسط عوامل ساواک، به منظور بهانه تراشی، مداخله و شدت عمل علیه عشایر مسلح منطقه طراحی شده بود.^۲ بعد از این حادثه، نیروهای نظامی در منطقه مستقر شدند و با چپاول، غارتگری، تعدی به ناموس، طرح اتهامات ناروا و دستگیری سرکلانتر عشایر ایل سرخی، قیام عشایر فارس را شعله ور ساختند.^۳

اقدامات شتابزده رژیم برای سرکوبی و خلع سلاح عشایر، نتایج معکوسی به همراه داشت. تشکل عشایر مسلح تحت پوشش «نهضت مقاومت ملی عشایر»، از اولین نشانه های بارز آن بود. نهضت مقاومت، طی اعلامیه های متعددی از قیام امام خمینی حمایت کرد.^۴ نفوذ آیت ا... محلاتی در میان عشایر فارس، و حمایت های مادی و معنوی آیت ا... دستغیب، ارتباط مستحکمی میان نهضت روحانیون و عشایر فارس

۱. رادیو مسکو و مجله هفتگی «نورویا گرینا» ضمن ستایش از اقدامات رژیم در ایجاد اصلاحات ارضی، قتل «ملک عابدی»، رئیس اصلاحات ارضی فیروزآباد فارس را ناشی از مخالفت های فتودالها و ملاکین به منظور حفظ امتیازات قرون وسطایی تفسیر و تحلیل کردند. ن. ک. روزنامه اطلاعات ۲۳ آبان ماه ۱۳۴۱. روزنامه پارس ۲۳ و ۲۴ آبان ماه ۱۳۴۱.

۲. شاهدان عینی ماجرا، از جمله آقای عباس حیدری یکی از همراهان ملک عابدی در روز حادثه، با تأکید بر اینکه مهاجمان از مزدوران رژیم و عوامل ساواک بودند، قتل ملک عابدی را توطئه رژیم برای سرکوب عشایر منطقه می دانند. مصاحبه با تعدادی از عشایر منطقه و آقای عباس حیدری کارمند اداره کشاورزی، آرشیو خصوصی نگارنده. همچنین. ن. ک. ایل ناشناخته. عبدالله شهبازی، ص ۲۶۶ به بعد.

۳. از جمله اتهامات، کشت تریاک و تحریک مخالفان اصلاحات ارضی بود. ن. ک. روزنامه اطلاعات ۲۰ اسفند ۱۳۴۱.

۴. چند نمونه از اعلامیه ها از جمله نامه مرحوم حبیب ا... شهبازی رئیس ایل سرخی به حضرت امام خمینی در سال ۱۳۴۲ در آرشیو خصوصی نگارنده موجود است.

بوجود آورد.^۱ تلاش رژیم برای سرکوبی قیام عشایر با استفاده از نیروهای محلی، به شکست منجر شد. مقاومت و پیروزیهای پی در پی عشایر، رژیم را کاملاً آشفته و مضطرب کرده بود.

در آذرماه ۱۳۴۱، نخست وزیر و رئیس سازمان امنیت کشور، برای بررسی اوضاع بحرانی فارس، راهی شیراز شدند. هدف از این مسافرت یافتن راه حلی برای کنترل اوضاع بود. هنگامی که کوششهای «پاکروان» به منظور استفاده از وساطت و اعمال نفوذ آیت‌ا... محلاتی برای کنترل عشایر فارس به نتیجه‌ای نرسید،^۲ «اسدا... علم» طرحی برای سرکوبی قیام عشایر فارس توسط افراد بلوچ ارائه کرد که بنا به گفته «فردوست» این طرح به تصویب شاه نرسید.^۳

شاه در دی ماه ۱۳۴۱ وارد شیراز شد و با سخنان شدیداللمحن و خشنی، عشایر فارس را تهدید کرد^۴ و سرانجام دو ماه بعد، طی حکمی «بهرام آریانا» را به عنوان فرمانده عملیات جنوب، مامور سرکوبی قیام عشایر فارس کرد.^۵

گزارش‌هایی در دست است که نشان می‌دهد آریانا برای سرکوبی جنبش عشایر، علاوه بر هنگ و واحدهای رزمی استان‌های فارس، خوزستان، کرمانشاه و پشتیبانی یگانهای هوایی، از عوامل ساواک و کارشناسان سازمان سیا در امور جنگهای روستایی استفاده کرد.^۶ وی با نهایت قساوت و بی‌رحمی به سرکوب قیام عشایر پرداخت و به بهانه انهدام مواضع عشایر که به کوهها پناه برده بودند، با استفاده از بمب افکن و آتشبار توپخانه، مناطق مسکونی عشایر و سیاه چادرها را به طور وحشیانه‌ای ویران ساخت، و در روستای «پریناب» برای جلوگیری از پیوستن عشایر به مردم شیراز، دهها تانک و

۱. علاوه بر این، آیت‌ا... ملک حسینی از یاسوج و مرحوم آیت‌ا... طالقانی از تهران به تشویق و ترغیب سران عشایر فارس برای مبارزه با مظالم دولت پرداختند. مرحوم آیت‌ا... نجابت نیز در شیراز به دلیل جانبداری عشایر از قیام اسلامی، ضمن حمایت از قیام عشایری، اشعاری در مدح و مجاهدتهای مرحوم حبیب‌ا... شهبازی سرود.

۲. نهضت روحانیون ایران: علی دوانی، ج ۴، ص ۷۹. خاطرات پانزده خرداد، جلیل عرفان منش، ج ۱، ص ۲۵.

۳. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی: حسین فردوست، ج ۲، ص ۵۰۶. روزنامه اطلاعات ۴/۱۰/۱۳۴۱. روزنامه پارس، ۵/۱۰/۱۳۴۱.

۴. روزنامه اطلاعات ۴/۱۰/۱۳۴۱ و ۸/۱۰/۱۳۴۱.

۵. روزنامه اطلاعات ۲۱/۱۲/۱۳۴۱.

۶. ظهور و سقوط پهلوی: ج ۲، ص ۵۰۶ به بعد.

خودرو به همراه یگانهای نظامی گسیل کرد و توسط بمب افکنهای هوایی منطقه را بمباران کرد.^۱

تحریم رفتارندم لوايح ششگانه از سوی روحانیون، مردم شیراز و سایر شهرستانهای استان به تبعیت از رهنمودهای امام خمینی، واکنش مناسبی علیه اقدامات خودکامه رژیم بود. اگر چه سیل تبلیغات برای شرکت در رفتارندم، توسط جراید و رادیو محلی افکار عمومی را تسخیر کرده بود،^۲ اما عدم شرکت و مخالفت با آن، مقامات محلی را وادار به اجرای ترفندهای گوناگون برای عوامفریبی و جمع آوری آرا کرد.

حادثه فیضیه قم، انعکاس وسیعی در شیراز و سایر شهرهای استان فارس داشت. روحانیون شیراز و برخی از شهرستانها به عنوان اعتراض، از برپایی نماز جماعت در مساجد خودداری کردند. علی رغم مقاصد رژیم از کشتار و حشيانه طلاب علوم دینی و سرکوب و مرعوب کردن روحانیون، جامعه روحانیت شیراز در تاریخ ۱۳۴۲/۱/۳۰ با صدور اعلامیه ای، ضمن ابراز انزجار از واقعه خونین فیضیه، همدردی و پشتیبانی خود را از امام خمینی اعلام کرد.^۳

مقارن همین ایام، شایعات فراوانی مبنی بر حمله رژیم و گروه چماقداران شعبان جعفری به مسجد جامع شیراز منتشر شد. از این رو عده ای از مبارزین، برای جلوگیری از بروز هر حادثه ای، نقشه و برنامه های دفاعی طراحی کردند تا در صورت حمله به مسجد جامع، قادر به مقاومت و دفاع از خود باشند. مع الوصف رژیم طرح حمله به مسجد جامع شیراز را مسکوت گذاشت.

در خرداد ماه ۱۳۴۲، مراسم سوگواری سرور آزادگان حضرت حسین بن علی (ع) در اکثر محلات و مساجد شیراز برپا بود و به رغم فشارهای نیروهای امنیتی و انتظامی، بسیاری از دستجات سینه زنی، مراسم سوگواری را مبدل به یک راهپیمایی سیاسی کرده

۱. قیام عشایر فارس در نتیجه عدم سازماندهی و ارتباط میان سران عشایر، توطئه و فریبکاری عوامل ساواک، منجر به شکست شد و سرانجام ۶ تن از سران عشایر فارس برابر حکم دادگاه زمان جنگ شیراز، مورخه ۱۳۴۳/۵/۱۵ به دستور شاه محکوم به اعدام شدند و عده ای نیز به حبسهای طویل المدت و تادیبی محکوم گردیدند. ن.ک. سالنامه اطلاعات، شماره ۶، سال ۱۳۴۳، ص ۲۷. و همچنین عبدالله شهبازی ایل ناشناخته، ص ۲۲۸ و ۲۷۴ به بعد.

۲. ن.ک. سرمقاله های روزنامه های پارس، گلستان، بهار ایران مورخ ۱۳۴۲/۱۰/۲۸ لغایت ۱۳۴۲/۱۱/۶.
۳. نهضت روحانیون ایران: ج ۳، ص ۲۸۹. عشایر فارس نیز با صدور اعلامیه هایی کشتار طلاب علوم دینی را در واقعه فیضیه قم تقبیح کردند.

بودند، و بنابر توصیه های امام خمینی، وعاظ و روحانیون از مظالم رژیم و خطراتی که از سوی آمریکا و اسرائیل اسلام را تهدید می کرد، سخن گفتند. شب عاشورا مراسم باشکوهی در «مسجد نو»^۱ برپا گردید. در این مراسم جمعیت بی شماری در صحن بزرگ مسجد گرد آمدند. مردم شیراز در آن شب، علاوه بر حمل پرچمهای سیاه و طبق های عزاداری، پلاکارتهایی نیز با مضامین سیاسی حمل می کردند. بعد از سخنرانی پرشور آیت... دستغیب، جمعیت با حالت اعتراض و شعار، از مسجد خارج شدند که با مداخله نیروهای انتظامی روبه رو شدند. عده ای برای نجات جان آیت... دستغیب از طریق بازار و کوچه های اطراف به سختی توانستند وی را به منزل برسانند.

در منزل آیت... محلاتی نیز مراسم عزاداری بر پا بود. ایشان ضمن تفسیر آیه شریفه «واعذوا لکم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوکم» ضرورت مجهز کردن مسلمانان به سلاح روز و قیام مسلحانه را بیان کردند.

خبر دستگیری امام خمینی در صبح روز پانزده خرداد در شیراز منتشر شد، ولی هنوز مردم به درستی از چگونگی وقایع قم و تهران اطلاعی نداشتند؛ اما بعد از پخش اخبار رادیو در ساعت دو، موجی از نفرت و انزجار میان مردم شیراز بوجود آمد، و شهر در وضعیتی کاملاً غیرعادی فرو رفت. مردم در مسجد جامع تجمع کردند و آیت... دستغیب ضمن اعلام تعطیلی روز شانزده خرداد، از مردم دعوت کردند که در مسجدنوا اجتماع کنند.

مردم از آنجایی که نگران دستگیری و تعرض به رهبران مذهبی خود بودند، تصمیم گرفتند برای جلوگیری از هر حادثه ای، شب در اطراف منزل آیت... محلاتی و آیت... دستغیب تجمع کنند. با این وجود، مامورین شبانه به منزل آیت... محلاتی هجوم بردند و چون در آنجا با مقاومت چندانی روبه رو نشدند، ایشان را بازداشت کرده، به همراه عده ای از روحانیون، شبانه با هواپیما به تهران و زندان اعزام کردند. در اطراف منزل آیت... دستغیب، جمعیت زیادی کوچه های اطراف را فرش کردند و عده ای نیز در درون خانه برای محافظت از ایشان گرد هم آمدند. با یورش

۱. مسجد الشهدای کتونی.

مامورین مسلح، جمعیت مقاومت کردند و در نتیجه عده‌ای مجروح و مصدوم شدند. با این وجود آنها تلاش کردند آیت‌ا... دستغیب را از منزل خارج کنند^۱. مامورین برای شکستن درخانه و مقاومت مردم، شدت عمل زیادی به کار بردند و داخل منزل آیت‌ا... دستغیب با خشونت زیاد تعدادی از افراد را مورد ضرب و شتم قرار دادند، و حتی به زنان و کودکان نیز رحم نکردند. ولی یاران آیت‌ا... دستغیب توانستند جان وی را از مهلکه نجات دهند^۲.

صبح روز شانزدهم خرداد، مردم به دعوت آیت‌ا... دستغیب و محلاتی، بازار و مغازه‌ها را تعطیل کردند و برغم اعلام حکومت نظامی^۳، در مسجد نو تجمع کردند اما به زودی دریافتند که روحانیون و رهبران نهضت را در شیراز شبانه دستگیر کرده‌اند. خبر یورش به منزل روحانیون و دستگیری آنها بر خشم مردم افزود.

مردم بدون برنامه از قبل طراحی شده، دسته دسته از مسجد خارج شدند و به عنوان اعتراض، با سر دادن شعارهایی در حمایت از امام خمینی، و ابراز انزجار نسبت به رژیم خودکامه، دست به راهپیمایی زدند. دستگیری عناصر فعال نهضت و فقدان رهبری، از جمله عواملی بودند که دست عمال رژیم را برای برهم زدن اوضاع هموار کرد. بسیاری از شاهدان عینی حوادث روز شانزده خرداد، اظهار می‌دارند که عمال رژیم در آن روز تلاش می‌کردند با بدجلوه دادن اعمال و مقاصد تظاهرکنندگان، افکار عمومی را نسبت به قیام ۱۵ خرداد منحرف سازند. از این رو عده‌ای از عمال رژیم، آشکار و پنهان، مسیر و مقصد تظاهرکنندگان را منحرف و اقدام به شکستن چراغها و علائم راهنمایی، تخریب و آتش زدن مغازه‌ها کردند^۴.

۱. این اقدام برخلاف میل آیت‌ا... دستغیب صورت گرفت.
۲. با این وجود در اثر فشارهای شدیدی که ساواک به فرزندان ایشان می‌آورد، آیت‌ا... دستغیب دو روز بعد تصمیم گرفت خود را تسلیم نیروهای نظامی کند و سرانجام به زندان منتقل گردید.
۳. فرمانده نیروهای فارس و فرماندار نظامی شیراز، طی اعلامیه‌ای صبح روز ۱۶/۳/۱۳۴۲ در شیراز و حومه اعلام حکومت نظامی کرد و منع هرگونه اجتماع و تردد در شب نمود. نمونه‌ای از اعلامیه مذکور در آرشیو خصوصی نگارنده موجود است.
۴. گزارشهایی در دست است که بسیاری از تخریب‌گران و ماجراجویان حادثه ۱۶ خرداد از عناصر وابسته و نیروهای نظامی در لباسهای مبدل بودند. این گونه اقدامات در شرایطی که حالات روحی مردم ملتهب و متاثر بود، برای کارگزاران رژیم امر چندان دشواری نبود. برخی از شاهدان حوادث ۱۶ خرداد، در خاطرات از افرادی نام می‌برند که در ابتدای گردهمایی مردم در مسجد نو، قصد تحریک مردم و تخریب اماکن عمومی را داشتند و اظهار می‌دارند که این افراد از عناصر وابسته به رژیم یا عوامل نیروهای نظامی و حتی راهنمایی و رانندگی بودند. بدیهی است که مردم خشمگینی نیز تحت تاثیر این اقدام نسبت به تخریب اماکن عمومی علی‌الخصوص مراکز فساد و مشروب فروشها تحریک می‌شدند.

در نتیجه این اقدامات، بهانه‌های لازم نیز برای مداخله نیروی انتظامی فراهم گردید. آنها با استفاده از گاز اشک‌آور و شلیک گلوله به تظاهرکنندگان، مردم بی‌دفاع را به خاک و خون کشیدند. اکثر افرادی که در حادثه خرداد، به شهادت رسیدند نوجوان بودند.^۱ مردم جنازه‌های شهیدان را در حالی که اجسادشان را با گل و برگ درختان پوشانده بودند، بر روی درهای چوبی بر دوش حمل کردند. مردم خشمگین، ماشین جیب یکی از عاملان تیراندازی به تظاهرکنندگان را واژگون کرده و آتش زدند. عده‌ای از تظاهرکنندگان به سمت چهارراه مشیر رفتند، که در آنجا نیز نیروهای انتظامی جمعیت را به رگبار مسلسل بستند. عمال رژیم از بیم حمله گروهی از تظاهرکنندگان که از خیابان خیام به سمت استانداری و ساواک در حرکت بودند، سرتاسر خیابان را مسدود نموده و با شلیک گلوله از حرکت مردم جلوگیری کردند.

تظاهرکنندگان تا ساعتی از ظهر به مقاومت پرداختند، اما با یورش نیروهای نظامی تیراندازی و ایجاد رعب و وحشت، رفته رفته پراکنده شدند. مامورین انتظامی تعداد زیادی از تظاهرکنندگان را که مجروح و مصدوم بودند، به درون ماشینهای ارتشی پرتاب کردند و همراه با دستگیرشدگان از صحنه خارج کردند و متعاقب آن نیروهای امنیتی اقدام به دستگیری عناصر فعال و انقلابی نمودند.^۲

بنا به گزارشهای مندرج در جراید، تعداد دستگیرشدگان واقعه ۱۶ خرداد شیراز ۱۴۵ نفر بود که هرروز بر این تعداد افزوده می‌شد.^۳ دستگیرشدگان در دادگاه جناحی فرمانداری نظامی شیراز، محاکمه و عده‌ای به زندانهای طویل‌المدت و اعدام محکوم شدند.

رژیم با به شهادت رساندن، دستگیری و محاکمه مردم شیراز و با ایجاد جو رعب و وحشت با به دار آویختن عده‌ای از سران عشایر در خیابانهای شیراز^۴، کوشید تا قیام

۱. عده‌ای از شاهدان حادثه، در خاطرات خود بیان می‌دارند که وجود نیروهای امنیتی و انتظامی که به قصد تحریک و تخریب مغازه‌ها و منحرف ساختن افکار عمومی در میان تظاهرکنندگان بودند، ایجاب می‌کرد تا عمال رژیم هنگام تیراندازی، برای آنکه عوامل وابسته خود را در میان تظاهرکنندگان هدف قرار ندهند، به سمت نوجوانان و جوانان تیراندازی کنند.

۲. ساواک لیست سیاهی از نیروهای فعال و انقلابی را از قبل تهیه کرده بود.

۳. روزنامه اطلاعات مورخ ۱۳۴۲/۳/۱۸ و ۱۳۴۲/۳/۱۹.

۴. روزنامه اطلاعات مورخ ۱۳۴۲/۳/۲۰.

مردم شیراز و استان فارس را در حمایت از نهضت امام خمینی سرکوب کند؛ اما هرگز نتوانست امواج خروشان نهضت حق جویانه را برای همیشه در پشت خفقان خود پنهان سازد. قیام پانزده خرداد همچون آتشی پنهان ۱۴ سال بعد، اولین جرقه های انقلاب را در سال ۱۳۵۶ شعله ور ساخت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. مردم انقلابی شیراز بعد از حادثه ۱۵ خرداد، در هر فرصتی برای زنده نگاه داشتن این حادثه تلاش کردند و با آزاد شدن آیت ا... دستغیب از زندان، طی مراسم کم سابقه ای، از ۴۵ کیلومتری شهر شیراز به استقبال ایشان رفتند. عده ای از روحانیون شیراز و سایر شهرستانهای استان فارس، موسوم به «روحانیون مهاجر»، برای اعتراض به دستگیری امام خمینی، آیت ا... محلاتی و آیت ا... قمی، به همراه سایر روحانیون کشور عازم تهران شدند و برای آزادی آنها تلاش کردند.